

حکومت جنایت کاران و غارتگران!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

حکومت اسلامی، باید برود! این حکمی است که مردم آزادی خواه ایران در اعتراضات میلیونی خود در تهران و شهرهای بزرگ کشور، با صدای بلند اعلام کرده اند. اکنون سران و عناصر این حکومت، با گسترش اعتراضات و خشم و نفرت روزافزون مردم، در کاخ هایشان نیز بر خود می لرزند.

در حالی که اقلیتی از سرمایه داران و سران و عناصر حکومت و آفازاده ها و نزدیکانشان در دریای ثروت شنا می کنند، اکثریتی بی شمار در منجلاب فقر و فلاکت و سیاه روزی و خشونت غرق هستند و همواره در معرض یورش وحشیانه و غیرانسانی نیروهای سرکوبگر حکومتی قرار دارند. اگر برای مردم فقر اقتصادی و سرکوب های سیاسی به معنی مرگ و زندگی مردم و فرزندانیشان و فرهنگ انسانی شان است، در حالی که برای سرمایه داران و حکومت آن ها جنگ، سرکوب و کشتار، نابرابری و استثمار برای کسب قدرت، سود بیش تر و غارت منابع طبیعی جامعه «نعمتی خدادادی» است.

حکومت اسلامی، حکومتی متشکل از گروه های تروریستی اسلامی، آدمکشان حرفه ای، باندهای مافیایی، ارادل و اوپاش و مشتتی دزد و غارتگر است. این حکومت سی سال است جنایت انسانی و چپاول منابع طبیعی کشور مشغول است و جامعه را به لبه نیستی و نابودی سوق داده است. در حالی که ایران، یکی از کشورهای ثروتمند منطقه است اما اکنون نه تنها بین هشت تا ده میلیون نفر از شهروندان این کشور بیکارند، بلکه آن هایی هم که شاغلند دستمزدهایشان نه تنها کفاف زندگی شان را نمی دهد، بلکه به موقع نیز پرداخت نمی گردد. براساس آمارهای رسمی حکومتی، بیش از ۲۰ میلیون نفر از شهروندان ایرانی روزانه با هیولای فقر و بدبختی دست و پنجه نرم می کنند. فقر اقتصادی، سبب شده است که بحران های اجتماعی آن چنان در سطح گسترده ای دامن جامعه را بگیرند که میلیون ها انسان، به ویژه نیروی جوان را به سوی خودکشی، اعتیاد، تن فروشی و حتا فروش ارگان های بدنشان وادار کرده است.

بدین ترتیب، کلیه عملکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این حکومت جانی و ارتجاعی سبب شده است که اکثریت مردم ایران، در راهپیمایی های میلیونی خود، با تمام قدرت فریاد از جمله «مرگ بر دیکتاتور هم رهبر هم دکتر» سر دهند و برای برکناری این حکومت، به مبارزه جدی و بیکی روی بیاورند. در زیر به چند نمونه از فساد اقتصادی و غارتگری سران حکومت اسلامی و عناصر آن اشاره می کنیم که از جمله در اثر تشدید و اوج گیری کمشکس و رقابت جناح های درون حکومت اسلامی، به رسانه ها نیز کشیده می شوند.

نمونه بردن دست و پای دزدان گرسنه

تراژدی انسانی در ایران، به حدی گسترده است که انسان را به یاد نمایشنامه «تاجر ونیزی» اثر «شکسپیر» می اندازد که در آن پس از ناتوانی بدهکار در نزد بازپرداخت به موقع وام و بهره سنگین آن، رباخوار، طبق قرارداد، خواهان بردن نیم کیلو گوشت از بدن بدهکار می شود. در صحنه سوم از پرده اول این نمایشنامه، شایلاک رباخوار به آنتونیو (ضامن وام گیرنده) می گوید «به عنوان تعین، این نکته را جزء شرایط قرارداد بنویسید که اگر نتوانید در فلان روز و فلان محل، از عهده تادیه دین خود برآید، این جریمه تعلق گیرد که مقدار نیم کیلو از گوشت تازنین شما از هر قسمتی از بدن شما که من مایل باشم، بریده شود.» (نمایشنامه «تاجر ونیزی»، اثر شکسپیر، ترجمه دکتر علاء الدین بازارگادی، انتشارات سروش و قبلا بنگاه ترجمه و نشر کتاب) اگر این واقعه در این نمایشنامه به صورت طنز بیان شده است، اما در جامعه ما، این نمایشنامه به دو شکل واقعیت پیدا می کند؛ اولی این است که اگر کسی دزدی کند با اتکاء به قوانین اسلامی و حکومت اسلامی دست و پایش بریده می شود.

وب سایت خامنه ای، روز شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۸۷ نوشت: سؤال: حکم سارق، قطع ید است، آیا در این کشور کسی پیدا نمی شود که شرایط قطع ید را داشته باشد؟

جواب: در موارد متعددی دست سارقین در جمهوری اسلامی قطع گردیده و نگارنده خود شاهد مواردی از آن بوده است. البته شرایطی که در آن دست سارق قطع می شود متعدد است و بسیاری از سارقین فاقد آن هستند از طرف دیگر مواردی نیز که در حکم اجرا می شود غالباً در تبلیغات و رسانه های عمومی اعلام نمی گردد.

دادگستری کل سیستان و بلوچستان، روز یکشنبه، ۱۶ دی ماه ۱۳۸۶، اعلام کرد که حکم قطع دست راست و پای چپ در مورد پنج نفر، که متهم به کروگانگیری و درگیری مسلحانه بودند، در زاهدان، به اجرا در آمده است. این پنج نفر متهم به سرقت مسلحانه، درگیری با مأموران انتظامی و به هم زدن امنیت مردم در سطح منطقه شده اند. اسامی افرادی که در مورد آن ها حکم به مورد اجرا در آمده، عبارت است از «م.ع. جلالی» «ع.ب. ریگی» و «ا. ریگی» «ع.ر. رودینی» و «د. پهلوان».

دادگستری کرمانشاه، حکم به قطع ید داده و آن را اجرا نیز کرده است. روزنامه قدس ضمن تایید این عمل نوشته است: «در یک سال گذشته این چندمین بار است که دادگستری استان کرمانشاه با قاطعیت هرچه تمام تر متجاوزان امنیت عمومی را در ملاء عام به سزای اعمال خود می رساند زیرا نگرش مدیریت دادگستری کل استان کرمانشاه مبنی بر ناامن سازی محیط جامعه برای تبهکاران و بالابردن هزینه جرم و جنایت است.»

داود صالحی، سفیر ایران در اسپانیا، روز پنجشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۸۶، در یک نشست مطبوعاتی در مادرید از اجرای حکم اعدام و قطع دست و پای بزهکاران در ایران دفاع کرد و این عمل را با عمل جراحی قطع عضو از بدن برای جلوگیری از سرایت بیماری به بقیه اعضا مقایسه نمود.

به گزارش روزنامه دبی تلگراف، «داوود صالحی»، در دفاع از اجرای قوانین سخت اسلامی گفت: «مجازات اعدام برای حفظ سلامت جامعه ضروری است.»

به گزارش خبرگزاری ایسنا، به نقل از معاون دادستان مشهد، روز ۱۲-۰۹-۲۰۰۷، دست چهار متهم به سرقت را به عنوان «حد شرعی» قطع کرده اند. در این خبر اسامی افراد قطع عضو شده «ع-ک»، «ح-ف»، «م-د» و

«غ-ر» ذکر شده و از قول «روابط عمومی دادگستری خراسان رضوی»، اعلام شده است که این حکم «روز گذشته اجرا شده است.»

براساس قوانین وحشیانه شرع اسلام، هر فردی که در جامعه اسلامی مرتکب دزدی شود باید تعدادی از انگشتان یا دست وی از ناحیه می قطع شود.

تعیین مجازات قطع انگشتان دست سارق، بر اساس آیه ۲۸ سوره مائده در قرآن، کتاب «آسمانی» مسلمانان انجام گرفته است: «والسارق والسارقة فاقطعوا أيديهما جزا بما کسبا نکالا من الله...»، که به صراحت حکم به قطع دست سارق می دهد، چه زن و چه مرد. فقهای شیعه، علاوه بر قطع انگشتان تنها یک دست و در صورت تکرار «دزدی» به قطع نوک پای چپ فتوا داده اند.

ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات سرقه را در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست، در مرتبه دوم، قطع انگشتان پای چپ و بخشی از پا که متصل به انگشتان است، در مرتبه سوم حبس ابد و در مرتبه چهارم، اعدام تعیین کرده است.

شکل دوم این است که بسیاری از انسان ها، به ویژه جوانان به دلیل فقر اقتصادی و نداری کلیه ها و دیگر ارگان های بدنشان را می فروشند. در شهرهای ایران، به طور رسمی و قانونی صدها درمانگاه خرید و فروش و بیوند کلیه وجود دارد و در گزارش ها آمده است که بسیاری از اروپائیان نیز برای بیوند کلیه به ایران سفر می کنند، چون که کلیه سالم جوانان را به سرعت و ارزان خریداری می کنند. در حالی که در کشورهای غربی و هم چنین بسیاری از کشورهای جهان، چنین عملی ممنوع است و فقط اگر کسانی از قبل به طور کتبی اعلام کرده باشند ارگان های بدن آن ها را که به دلایل مختلفی از جمله در تصادفات در معرض مرگ قرار می گیرند، برداشته شود و در اختیار نیازمندان قرار گیرد، مجاز است. اما خوشبختانه تاکنون شنیده نشده است که دست و پای دزدان درشت و سرمایه داران غارتگر اجتماعی را ببرند. خوشبختانه را از این جنبه به کار می برم که بریدن دست و پای انسان و درآوردن چشم و... با اتکاء به قوانین اسلامی و غیراسلامی و یا شکنجه و اعدام و سنگسار، روش های جنایت کارانه ای هستند که هر انسان آزاده ای در هر شرایطی موظف است محکم و قاطع در جهت لغو و محکومیت آن ها لحظه ای درنگ نکند.

نمونه توقیف ۱۸/۵ میلیارد دلار در ترکیه

اخیرا، در خبرها آمده است که سرمایه هیجده میلیارد دلاری یک ایرانی در ترکیه که شامل ۲۰ تن طلا و ۷,۵ میلیارد دلار وجه نقد بوده توسط دولت ترکیه توقیف شده است. وکیل این سرمایه دار ایرانی در تلاش است که دولت ترکیه را متقاعد کند تا سرمایه مذکور را آزاد کند تا وی آن را در ترکیه سرمایه گذاری نماید.

گفته می شود این واقعه مربوط به ماه دسامبر سال گذشته است، اما اکنون جزئیات آن فاش شده است. نخستین خبری که در این ارتباط انتشار یافت، جمله ای بود که نخست وزیر ترکیه «اردوغان» در آخرین کنفره سالانه حزب خود بیان داشت. او گفت: «خدای ترکیه بزرگ است و در این شرایط بحران اقتصاد جهانی، خداوند ۱۸/۵ میلیارد دلار را به اقتصاد این کشور تزریق کرده است.»

آن موقع خبرگزاری ها، توجه چندانی به این ادعای نخست وزیر ترکیه نکردند. اما اخیرا کانال «دی» ترکیه، در یکی از برنامه های شبانه خود، با مدارک غیرقابل انکار فاش کرده است این سرمایه که ۷,۵ میلیارد دلار آن به صورت نقد و ۱۱ میلیارد آن به شکل ۲۰ تن شمش طلا است توسط شخصی به نام «اسماعیل صفاری نسب» از ایران خارج شده و به وسیله کشتی به ترکیه انتقال داده شده است. مامورین ویژه در یکی از بنادر این کشور، از این ۲۰ تن طلا محافظت می کنند.

اکنون پس از گذشت ماه ها از این واقعه، این تاجر ایرانی، مدعی این ثروت کلان شده است؟ وکیل صفاریان نسب مدارکی قانونی در دست دارد که از بانک مرکزی ترکیه اخذ شده است. دولت ترکیه هم اکنون این پول ها را توقیف و آن ها را در بانک مرکزی نگهداری می کند و طلاها را نیز در بندر تحت حفاظت مامورین ویژه قرار داده است.

در این میان سنووال این است که چه مقام ایرانی با اردوغان برای خروج این همه ثروت از ایران در تماس بود و از آن به عنوان کمک بزرگ به اقتصاد بحرانی ترکیه نام می برد؟

این واقعه هنگامی که از تلویزیون ترکیه پخش شد و به صورت یک فیلم خبری نیز روی شبکه یوتوب قرار گرفت، رسانه های آن در این مورد گزارشانی را منتشر کردند.

روزنامه سرمایه، چاپ تهران در تاریخ یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۲۸، در مورد این واقعه نوشت: در پی انتشار اخبار فوق خبرنگار «سرمایه» کوشیده است ضمن تماس با مسئولان مربوطه نسبت به صحت و سقم خبرهای منتشره و چگونگی خروج این حجم بزرگ از سرمایه و شناسایی مبادی صادرکننده احتمالی مجوزهای خروج آن اطلاع رسانی کند.

اردشیر محمدی رییس کل گمرک در این رابطه گفت: «گمرک و من از این موضوع بی اطلاعیم و پس از انتشار این اخبار نسبت به تشکیل کمیته ای جهت بررسی چگونگی خروج کانتینر مربوطه اقدام کرده ایم که در صورت رسیدن به نتیجه از طریق روابط عمومی گمرک به اطلاع عموم خواهیم رساند.» رییس کل گمرک در ادامه گفت: «روایت های زیادی وجود دارد که کانتینر مربوطه که حامل ۱۸/۵ میلیارد دلار طلا و دلار بوده از مبادی گمرکی کشور خارج نشده و احتمالا از دیگر نقاط مرزی کشور خارج شده است. ما در حال بررسی موضوع هستیم و از آن جا که از طریق وزارت امور خارجه هم اطلاعاتی در این خصوص در اختیار ما قرار داده نشده در حال مذاکره و کسب اطلاع از این وزارتخانه هستیم.»

در این رابطه خبرنگار «سرمایه» با روابط عمومی بانک مرکزی و معاون ارزی سابق بانک مرکزی که در هفته گذشته عزل شد نیز تماس گرفت. روابط عمومی بانک مرکزی ضمن ابراز بی اطلاعی از کانتینر ۱۸/۵ میلیارد دلاری اعلام کرد: «این موضوع باید از طریق گمرک پیگیری شود و ما اطلاعی از آن نداریم.»

اطلاعاتی که به زبان ترکی استانبولی در این فیلم انتشار یافته، ۲۰ تن طلا و ۷/۵ میلیارد دلار که جمعا ۱۸/۵ میلیارد دلار است، در بازرسی گمرکی آنکارا کشف شده است. این ثروت هنگامت با یک کامیون از مسیر قوینه (شرق ترکیه و هم مرز با ایران) به گمرک آنکارا وارد شده است. پس از کشف محموله کامیون رانندگان آن گریخته اند.

مدارک کشف شده از طرف گمرک ترکیه نشان می دهد که صاحب محموله فردی است به نام اسماعیل صفریان نسب. گمرک ترکیه پس از کشف محموله کامیون به ارسال کننده محموله در ایران اطلاع داده است که جهت دریافت محموله ارسالی خود به ترکیه مراجعت کند، اما فرد مذکور یک وکیل ترک را مامور دریافت ۲۰ تن طلا و ۷/۵ میلیارد دلار کرده است؟!

«شنول اوزل»، وکیل تاجر ایرانی در گفتگوی ویژه با تلویزیون کانال «دی» ترکیه با تایید این خبر اعلام کرده است که موکلش در اکتبر سال گذشته - آبان ۸۷ - سرمایه ای به ارزش ۱۸/۵ میلیارد دلار، شامل ۷,۵ میلیارد دلار پول نقد و یک تریلی حامل شمش طلا به وزن بیست تن، با همراهی دو پیک به ترکیه فرستاده، اما در گمرک این کشور، پیک های فرستاده شده با اموال تاجر ایرانی به دلایل نامعلوم متواری شده و بیان نامه ورود این سرمایه هنگفت در گمرک این کشور به ثبت نمی رسد و به همین دلیل، همه ۱۸/۵ میلیارد دلار از سوی مقامات این کشور توقیف و پس از ثبت به خزانه بانک مرکزی ترکیه سرازیر می شود.

وکیل «اسماعیل صفریان نسب» تاجر ایرانی، گفته است که منظور اردوغان از جذب چنین سرمایه ای، همان مبلغ موکلش است و به رغم آن که بانک مرکزی ترکیه گفته که هنوز این سرمایه در خزانه این کشور است، شواهد حکایت می کند که ۱۸/۵ میلیارد دلار یادشده توسط کشور ترکیه مصرف شده و این در حالی است که وکیل اسماعیل صفریان نسب - تاجر ایرانی - متعهد شده که در صورت آزادی سرمایه افسانه ایش، همه این مبلغ را در ترکیه سرمایه گذاری کند.

روزنامه های سراسری ترکیه، «ملیت» و «حریت» و کانال تلویزیونی «ت.آرت» نیز این خبر را منتشر کرده اند. تاکنون درباره این که اسماعیل صفریان نسب کیست و این که مقصد اصلی آن کدام کشور بوده است و یا این که این سرمایه چگونه از ایران خارج شده است، هیچ اطلاعاتی منتشر نشده است؟ شایان ذکر است که بودجه سالانه کل کشور، رقمی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است، مبلغ ۱۸/۵ میلیاردی که از کشور خارج شده معادل یک پنجم کل بودجه یک سال کل ایران است. به همین دلیل، هیچ سرمایه دار و تاجری در ایران نمی تواند معادل یک پنجم بودجه ایران را به صورت داشته باشد و فراتر از آن بتواند به راحتی از کشور خارج نماید.

نمونه فساد در دولت

روند فساد، غارتگری، رشوه دهی، رشوه گیری و تجاوز به اموال عمومی مردم در دستگاه حکومتی اسلامی، از گذشته تاکنون همواره سیر صعودی را طی کرده و در دولت احمدی نژاد به اوج خود رسیده است.

دیوان محاسبات که بر اساس قانون اساسی حکومت اسلامی، موظف است بر دخل و خرج دولت نظارت کند و حاصل کار خود را نیز به مجلس گزارش دهد، چندی پیش از تخلفات گسترده دولت نهم در سال ۱۳۸۵ خبر داده و در گزارش خود یک نمونه از این تخلفات که واکنش های گسترده ای را نیز در پی داشت، اعلام کرد که سرنوشت بیش از هزار میلیارد تومان از درآمد نفتی کشور مشخص نیست و این رقم به خزانه واريز نشده است. این نهاد نظارتی، در گزارش خود درباره چگونگی اجرای قانون بودجه سال ۱۳۸۶ نیز که در هفته جاری از تریبون مجلس خوانده شده بود، بیش از ۱۴۰۰ مورد تخلف دولت از قانون بودجه آن سال، خبر داده و تاکید کرده که دولت نهم از اجرای صحیح قانون بودجه، ۵۴ درصد انحراف داشته است.

بخش اول این گزارش، روز یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۸۸، با وجود اعتراضات نمایندگان وابسته به جناح احمدی نژاد، از تریبون مجلس خوانده شد. نمایندگان حامی احمدی نژاد، خواندن آن از تریبون مجلس را نیز «خلاف شان و غیرقانونی» نامیدند تا جایی که کار به دعوی لفظی نمایندگان و پاسخگویی دو طرف کشید.

در گزارش دیوان محاسبات، هم چنین تصریح شده که در سال ۸۶ نیز ۲۳۰۰ میلیارد تومان (۲۳ هزار میلیارد ریال) از درآمد گازی کشور به سرنوشت همان هزار میلیارد تومان سال ۸۵ دچار شده و مشخص نیست که به کجا رفته است.

در گزارش مرکز پژوهش های مجلس نیز با اشاره به انحراف ۱۰۹ میلیارد دلاری از برنامه چهارم توسعه کشور (۸۸-۱۳۸۴)، آمده است: مجموع استفاده از درآمد نفت خام، ۱۰۹ میلیارد دلار انحراف دارد یعنی بیش از مقدار پیش بینی شده در برنامه بوده است. این گزارش در ادامه با اشاره به این که «گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۸۵ که از سوی دیوان محاسبات عرضه شد، حاکی از ۶/۴ تریلیون تومان تخلف بودجه ای دولت، واريز نشدن ۱/۰۵۰ میلیارد دلار درآمد به خزانه و دو هزار مورد انحراف از بودجه سال ۸۵ بوده است»، می افزاید: در گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۸۶، اعلام شده که در ۱۷۰ مورد از ۲۱۲ بند و تبصره قانون بودجه ۸۶ (یعنی ۵۴ درصد بندها یا اجزای تبصره ها) تخلف صورت گرفته است. در سال ۸۶، شرکت های دولتی، بانک ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت بیش تر از ۲/۵ برابر بودجه مصوب خرج کرده اند.

پاسدار صادق محصولی، معروف به پاسدار میلیاردی که وزیر کشور احمدی نژاد است، ۳۰۰ میلیارد تومان ثروت دارد. صادق محصولی از یک خانواده متوسط ارویمة ای، که در سنین جوانی وارد سپاه پاسداران این شهر شد و در ۲۳ سالگی به دلیل شرکت فعال در سرکوب فعالین سیاسی و انقلابی این شهر و هم چنین کشتار مردم کرد و ترورها در کردستان عراق و غیره در ۲۳ سالگی به درجه «سرداری» ارتقاء یافت، این ثروت هنگفت را غیر از راه های دزدی و غارت اموال عمومی و بالا کشیدن بودجه دولتی و غصب اموال و املاک مردم از کجا به دست آورده است؟!

دولت احمدی نژاد، در چهار سال گذشته مبلغی در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار خرج کرده است. اما کجا و چگونه خرج شده است کسی نمی داند. حدود ۲۰ میلیون نفر از شهروندان کشور در میان فقر و فلاکت اقتصادی و فشارهای سیاسی و غیره کمربان خم شده است. کرانی و تورم روزافزون است. میلیون ها نفر بیکارند. کارخانه ها یکی پس از دیگری ورشکست و تعطیل می شود و کارگران آن ها، به میان میلیون ها بیکار پرتاب می گردند، بدون این که از بیمه بیکاری مکفی برخوردار باشند. آموزش و پرورش با کسر بودجه کلانی روبرو است. در چنین شرایطی، باندهای مافیایی درون حکومت اسلامی، ۱۸/۵ میلیارد دلار را از کشور خارج می کنند. جنایت آشکار دیگری علیه مردم ایران است!

بی شک خروج چنین ثروت هنگفتی از کشور، بدون هماهنگی بین بیت رهبری، رئیس جمهور و دولت، مجلس و خزانه کشور، و هم چنین دستگاه های امنیتی و گمرکی امکان پذیر نمی باشد. بنابراین، نتیجه مستقیم این دزدی ها و جپاولگری های ارادل و اوپاش حکومت اسلامی، تحمیل فقر و فلاکت بیش تر و روزافزون بر اکثریت جامعه ما، به ویژه مزدبگیران است.

برای مثال، محمد عباسی، وزیر تعاون دولت احمدی نژاد، در یک کنفرانس مطبوعاتی در روز یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۸۷ برابر با ۱۰ آگوست ۲۰۰۸، جمعیت جویای کار در ایران را ۱۰ میلیون نفر اعلام کرد و اظهار داشت؛ نزدیک به ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور متقاضی اشتغال هستند. آمار ۱۰ میلیون نفری جمعیت جویای کار در حالی از سوی وزیر تعاون اعلام شد که بنابر گزارش بانک مرکزی، جمعیت فعال کشور ۲۳/۵ میلیون نفر است که با این حساب نرخ بیکاری کشور براساس آمار وزیر تعاون دولت نهم ۴۲ درصد است.

از سوی دیگر، در همان روزها خبرگزاری حکومتی موج، نوشت: یازده میلیون کارگر در اقتصاد غیر رسمی کشور فعال اند. نقدینگی هم اکنون از ۵۰ هزار میلیارد تومان به ۱۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. نرخ بیکاری هم اکنون در کشور ایران ۲ برابر کشور های توسعه یافته است که این امر به بحران مبدل شده است.

هم چنین مدیر عامل جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان اعلام کرده است: کودکان کار و خیابان در ایران حدود ۱/۵ میلیون نفری برآورد شده است، که با احتساب کارگاه های خانگی و کودکانی که از خانواده های محروم هستند و در خیابان کار می کنند، این جمعیت بیش تر است.

شایان ذکر است که روزنامه سرمایه نیز ۱۵ آذر ۱۳۸۶ - ۶ دسامبر ۲۰۰۷، نوشته بود: در حال حاضر، سه میلیون کودک ترک تحصیل کرده داریم... محرومیت میلیون ها کودک از تحصیل و عدم دسترسی آن ها و خانواده هایشان به خدمات درمانی و مواد غذایی ضروری، جنایت بزرگی است که حکومت اسلامی عامل اصلی آن است.

نمونه عباس پالیزدار

در افشاکاری های عباس پالیزدار، مسئول هیات تحقیق و تفحص در قوه قضائیه که در سایت های اینترنتی داخلی و خارجی منتشر شد و سرانجام وی زندانی و سب آزاد گردید ضمن متهم نمودن برخی از چهره های سرشناس حکومت و «آقازاده ها»، محمود هاشمی شاهرودی، رییس قوه قضائیه و روسای بازرسی کل کشور وابسته به قوه قضائیه را متهم به دریافت رشوه و ترویج و ایجاد فساد در قوه قضائیه نموده بود. در حکومتی که قوه قضائیه و روسا و مدیران آن و متجاوز و غارتگر باشند، دیگر هیچ بحثی غیر از این که با قدرت می توان گفت همه دستگاه های حکومتی از بالا تا پایین به آن آلوده هستند، باقی نمی گذارد.

عباس پالیزدار، ۴۱ ساله است و گفته می شود «جانناز ۴۵ درصدی» است. «رییس امور زیربنایی مرکز پژوهش های مجلس» و «مشاور کمیسیون اقتصادی مجلس هفتم» از جمله سمت هایی است که رسانه های ایران تا قبل از ماجرای پالیزدار برای معرفی او استفاده کرده بودند. اما نمایندگی کمیته تحقیق و تفحص از قوه قضائیه مستقر در سازمان بازرسی کل کشور، مهم ترین سمتی است که او در سال های اخیر بر عهده داشته است.

پالیزدار در سخنرانی های گوناگونی که به عنوان «دبیر کمیته تحقیق و تفحص مجلس هفتم از قوه قضائیه» می کرد، بعضی از عالی ترین مقامات ایران را به اتهاماتی چون فساد مالی، رانت خواری، تصاحب اموال عمومی و خصوصی، مافیای اقتصادی و بی لیاقتی متهم کرد.

او به طور مداوم سخنانش را به پرونده های محرمانه ای که گفته بود در سازمان بازرسی کل کشور موجود است، مستند می کرد.

عباس پالیزدار روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷، در یک سخنرانی در دانشگاه بوعلی سینا همدان، مقام های بلند پایه حکومت اسلامی را به فساد مالی متهم کرد.

فیلمی از این سخنرانی در سایت های اینترنتی منتشر شد که در آن تعدادی از روحانیان بلندپایه از جمله محمد امامی کاشانی، امام جمعه موقت تهران، محمد یزدی، رییس سابق قوه قضائیه، عباس واعظ طبسی، تولیت آستان قدس رضوی و علی اکبر ناطق نوری، رییس پیشین مجلس ایران به فساد اقتصادی گسترده متهم شده بودند.

او در این سخنرانی خود، با ذکر جزئیات از ۴۴ شخصیت از جمله ۹ روحانی قدرتمند و با نفوذ حکومت اسلامی نام برد و آن ها را متهم کرد که با سوء استفاده از موقعیت خود، منافع اقتصادی برای خود و اعضای خانواده شان فراهم آورده اند. این اتهامات در مورد بعضی از آن ها شامل مسائل اخلاقی نیز می شد.

عباس پالیزدار در سخنرانی خود به حمایت از محمود احمدی نژاد، پرداخته و گفته بود که او می خواهد دست مفاسد اقتصادی را از امکانات دولتی کوتاه کند، اما هیچ کس دولتیش را در این زمینه حمایت نمی کند. سخنرانی پالیزدار با واکنش هایی در محافل سیاسی ایران روبرو شد و گروه های اصولگرا، ارتباط خود را با او رد کردند.

نمونه شهرام جزایری

شهرام جزایری عرب که به گفته خودش دانشجوی بود و بستنی فروشی نیز می کرد در طول چند سال، آن چنان ثروت های هنگفتی می اندوزد، به طوری که که در سال ۱۳۸۱ در سن ۲۹ سالگی و در جریان بزرگ ترین و جنجالی ترین پرونده فساد اقتصادی ایران در رسانه ها مطرح می شود، وی مانند دیگر نمونه ها در کشمکش رقابت های جناحی حکومتی، دستگیر و دادگاهی می شوند و پس از این که آب ها از آسیاب افتاد بی سر و صدا آزاد می شوند.

بر اساس محتویات کیفرخواست، جزایری در طول پنج سالی که از روی آوردنش به فعالیت های تجاری می گذرد، بالغ بر ۸۱۱ میلیارد و ۵۶۰ میلیون ریال (افزون بر ۱۰۱ میلیون دلار) از شبکه بانکی تسهیلات ارزی دریافت کرده است.

طبق گزارش رسانه ها، تعدادی از فرزندان روحانیون معروف حکومت اسلامی و مدیران تعدادی از بانک ها و سازمان های دولتی در میان افرادی هستند که به واسطه ارتباط با این پرونده یا دریافت پول از شهرام جزایری به زندان و جریمه نقدی محکوم شده اند.

نام مهدی مقتدایی، پسر آیت الله عبدالحسین مقتدایی، دادستان سابق کل کشور و محمد دری نجف آبادی، فرزند حجت الاسلام دری نجف آبادی، وزیر سابق اطلاعات و رییس فعلی دیوان عدالت اداری، در میان محکوم شدگان است. اتهام این دو نفر، اعمال نفوذ برخلاف حق و شرکت در تحصیل مال نامشروع بوده است.

مزددهی اتهامات وی را ایجاد و تأسیس حدود ۵۰ شرکت مختلف بازرگانی، کسب اعتبار موهوم از طریق مانورهای متغلبانه، برداشت ۲۸ میلیارد و ۱۰ میلیون ریال به دفعات مختلف و پرداخت آن به اشخاص به عنوان رشوه، جعل اسناد اعلام کرد. تباری در معاملات دولتی، اغوای مسئولان بانک ها، تسهیل و دریافت ارز، عدم به کارگیری تسهیلات در امر صادرات و واردات و ایجاد رکود در امر صادرات و واردات، تهیه بیمان نامه‌های غیر قانونی و اخذ مقادیر قابل توجهی از این طریق از جمله کیفرخواست نماینده مدعی العموم است. علی‌مزددهی نماینده مدعی العموم در دادگاه ضمن قرائت کیفرخواست صادره درباره شهرام جزایری با اتهامات بسیاری از جمله ارتشاء، صادرات غیر قانونی، جعل اسناد دولتی و اختلاس‌های کلان روبرو شد و بیش از ۵۰ تن به عنوان شرکای جرم وی روانه دادگاه شدند که اغلب آنان را فرزندان مقامات نظام تشکیل می‌دادند

شهرام جزایری عرب، تاجر جوانی که محاکمه او به اتهام فساد اقتصادی به یک جنجال شکفت انگیز معروف شد، در دفاعیات خود در دادگاه گفت که مبالغ زیادی پول به عنوان کمک به برخی نمایندگان مجلس پرداخته است.

شهرام جزایری که متهم ردیف اول در پرونده مفاسد اقتصادی است در ابتدای دفاعیات خود اظهار داشت: «در کارهای گسترده اقتصادی و تجاری شرکت هایی که تحت کنترل من بوده، اگر هم اشتباهی صورت گرفته، با نیت و قصد اخلاص نموده که امیدوارم بعد از اثبات، مورد عفو قرار گیرم.»

جزایری ادامه داد: «من با مسئولین همکاری صادقانه داشته ام و مبالغی که به آن ها داده ام بدون هیچ چشمداشتی بوده، رشوه نبوده و صرفاً بر مبنای رابطه دوستی و آشنایی بوده است.»

او در مورد نحوه ارتباط خود با نمایندگان مجلس که در آن روزها، جنجال زیادی به راه انداخته بود، گفت: «من مشاور فنی کمیسیون اقتصادی مجلس بوده ام و خود را به عنوان خادم موثق نظام می دانم.»

جزایری تأکید کرد که با مسئولین، از جمله نمایندگان مجلس، ارتباط داشته اما پولی ندادم که برایم کاری انجام شود. اگر هم چیزی از من خواسته اند به حساب آشنایی و دوستی پرداختم.»

رئیس دادگاه در این هنگام از شهرام جزایری خواست که بگوید به چه کسانی پول پرداخته است. به گزارش خبرگزاری حکومتی اسپنا، جزایری در این هنگام با صدای بلند گفت: «مبلغ ۵۰ میلیون تومان به یکی از دوستان جدیدم به نام آقای سیدهادی خامنه ای (نماینده مجلس و برادر رهبر ایران)، مبلغ ۱۷۰ میلیون تومان به آقای الهیاری، نماینده کرمانشاه و هم چنین مبلغی هم برای کمک به مردم تنکابن به آقای صابری، نماینده تنکابن در مجلس داده ام.»

اسپنا در ادامه می افزاید: «جزایری با گریه ادامه داد «خدمت آیت الله محمد کلپایگانی (مسئول دفتر رهبر) مبلغی را به دفتر معظم رهبری دادم. من آقا را دوست دارم ولی ایشان ما را قابل ندانستند.»

جزایری، یاد آور شد: «به من گفتند چرا به سیاسی ها کمک می کنی؟ به دفتر رهبری کمک کن که صرف امور خیریه شود. اما دفتر ایشان چک من را پس فرستادند و دو هفته بعد من دستگیر شدم.»

جزایری، در ادامه با اشاره به مبلغی که ماهیانه برای بیمه های ائمه جماعات پرداخت کرده بود، گفت: من این کار را به درخواست آیت الله انوری کردم و وقتی سازمان بازرسی وام های شرکت های زنجیره ای را به من وصل کرد، خدمت آیت الله انوری رفتم و گفتم، اگر من تخلف کرده ام کمک کنید.»

شهرام جزایری، در مورد ارتباط خود با شاهی عربلو، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: «او به منزل ما در دویبی آمد و در میهمانی که شاهی عربلو و همکاران کمیسیون اقتصادی مجلس مثل آقایان عزیزی، جماعتی و عبدالهی، به دعوت من در آن جا بودند، به رسم هدیه و بدون هیچ نیتی به هر کدام یک دستگاه تلویزیون و یک دستگاه تلفن همراه دادم که بعد هم جارو جنجال پیاشد که جزایری به کمیسیون اقتصادی رشوه داده است.»

پس از پایان محاکمه شهرام جزایری در شعبه ۱۱۹۲، خبرنگار حکومتی مهر در حاشیه دادگاه با وی به گفتگو پرداخته بود. در بخشی از این گفتگو می خوانیم:

«در حال حاضر شما چقدر سرمایه دارید؟

در حالی که با استینش بازی می کرد، جواب داد: در حال حاضر من ۱۶۰ میلیارد تومان سرمایه دارم.

این همه پول را با این سن کم تان از کجا آورده اید؟

ما کشور خیلی خوبی داریم که می شود خیلی خوب در آن ثروتمند شد.»

ماجراهای شهرام جزایری، شباهت به سریال های پلیسی دارد. نخست گفته شد وی از دست مامورین فرار کرده است. پس از فرار او با دستور ریاست جمهوری ایران، وزیر اطلاعات ایران موظف به پیدا نمودن و دستگیری شهرام جزایری شد و نیروهای وزارت اطلاعات حکومت اسلامی جستجو برای یافتن او را آغاز نمودند.

پس از انتشار خبرهای ضد و نقیص از دیده شدن شهرام جزایری در دبی، فرانکفورت و مناطق دیگر جهان، سرانجام در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۸۵، مقامات اطلاعاتی حکومت اسلامی اعلام کردند موفق شده اند وی را در روستایی در کشور عمان دستگیر کنند و در روز ۲۸ اسفند ۱۳۸۵ به ایران بازگردانند!؟

نمونه مهدی رفسنجانی

روزنامه های نروژ در شهریور ماه ۱۳۸۲، راز یک قرارداد نفتی را که با دادن ۲۵ میلیون دلار رشوه به مهدی رفسنجانی، فرزند هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام حکومت اسلامی ایران صورت گرفته بود، فاش ساختند.

رادپو فردا، در گزارشی پیرامون این رشوه گیری خانواده هاشمی رفسنجانی گزارش داد: قرارداد توسعه میدان نفت و گاز پارس جنوبی به موضوع روز محافل سیاسی، اقتصادی، و مطبوعاتی نروژ تبدیل شده است. مطبوعات نروژ شرکت ملی نفت این کشور را به رشوه دادن به شرکت واسطه این قرارداد، که یکی از پسران هاشمی رفسنجانی در آن نقش کلیدی دارد، متهم کرده اند.

گزارشگر این رادیو، گفت: در قراردادهای شرکت ملی نفت نروژ با ایران، به نظر می رسد که شرکت British Petroleum انگلیس، دست کم به طور غیرمستقیم، نقش تعیین کننده داشته است. قراردادهای شرکت ملی نفت نروژ با ایران از سال ۲۰۰۰ میلادی شروع شد، از زمانی که ریچارد هاوارد انگلیسی از شرکت British Petroleum به شرکت ملی نفت نروژ منتقل شد و مسئولیت و رابط خارجی این شرکت به او واگذار شد. شرکت ملی نفت نروژ (Stat Oil) سال گذشته برای توسعه حوزه گاز پارس جنوبی و بهره برداری از آن، در

رقابت با چند شرکت دیگر فرانسوی، انگلیسی، و ایتالیایی یک قرارداد ۲۵۰ میلیون دلاری یا یک میلیارد کرونوی نروژ منعقد کرد که مانند بسیاری از قراردادهایی که با ایران بسته می شود و از سقف ۲۰ میلیون دلار می گذرد، این قرارداد هم مستقیماً با شرکت ملی نفت ایران و وزارت نفت جمهوری اسلامی منعقد نشد، بلکه با شرکت واسطه ای به نام شرکت Horton بسته شد. قراردادهای بیش از ۲۰ میلیون دلار با ایران، شرکت خارجی طرف قرارداد را مشمول تحریم های آمریکا می کند.

شرکت ملی نفت نروژ تعهد کرده است که ۱۰ درصد از کل این قرارداد (یعنی ۲۵ میلیون دلار) را به شرکت Horton بپردازد. این ۲۵ میلیون دلار مبلغی است که مطبوعات و برخی محافل سیاسی و اقتصادی نروژ از آن به عنوان رشوه یاد می کنند.

در پایان این گزارش آمده است: در اردیبهشت امسال، در پی دوره ای که برخی محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران پرسش هایی را در پیوند با دارایی های خانواده رفسنجانی طرح کرده بودند، مهدی هاشمی رفسنجانی در گفتگویی با رسانه ها، هر گونه عقد قرارداد توسط او و دیگر اعضای خانواده رفسنجانی را در خارج قویاً تکذیب کرد و گفت: من، یاسر، و محسن اصلاً معاملاتی در خارج انجام نداده ایم. گفته می شود هاشمی رفسنجانی، یکی از نرومندان بزرگ جهان است!

سرانجام این شرکت نروژی در بیانیه اعلام کرده بود که اسناد اوایل مسئولیت پرداخت رشوه را برعهده می گیرد و قبول می کند که این شرکت در سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ با پرداخت رشوه قصد داشته است که برای کسب امتیاز توسعه فازهای ۶، ۷ و ۸ میدان پارس جنوبی ایران اعمال نفوذ کند.

بنا بر این گزارش، مطبوعات نروژ در سپتامبر ۲۰۰۳ گزارش هایی منتشر کردند که اسناد اوایل سعی کرده است با رشوه دادن به یک فرد ایرانی، قرارداد توسعه بخشی از فازهای پارس جنوبی را کسب کند.

به دنبال صدور این حکم، دو تن از مدیران ارشد اسناد اوایل ناگزیر به استعفا شدند و شرکت با صدور اطلاعیه ای به پرداخت رشوه اذعان کرد.

نمونه ثروت اندوزی هاشمی رفسنجانی، رشوه گیری پسر وی، شامل حال بسیاری از سران و عناصر حکومت اسلامی و «آقازاده» هایشان است که عموماً پرده پوشی می شود و کسی جرأت پیگیری اعمال آن ها را ندارد.

نمونه حکومت پهلوی

مناسفانه رشوه خواری و دزدی و فساد در میان سران و ارگان های حکومتی در ایران، ریشه تاریخی دارد. رضا شاه، به بهانه خرید اسلحه، کلیه سهمیه ایران از درآمد نفتی شرکت نفت انگلیس و ایران را به حساب شخصی خود در لندن واریز می کرد و این پول وارد ایران نمی شد. زمانی که رضا شاه سقوط کرد دویست میلیون دلار در بانک های لندن، نیویورک، سوئیس و تورنتو پول نقد داشت. بعلاوه، ۷۵ میلیون تومان، معادل ۵۰ میلیون دلار آن زمان، در حساب شخصی رضا شاه در بانک ملی ایران بود. محمدرضا شاه نیز در زمان سقوط همین وضع را داشت. گفته می شد که محمدرضا شاه، ۲۴ میلیارد دلار ثروت دارد. زمانی که در مصر بود، یک خبرنگار آمریکایی در این باره با او مصاحبه کرد. محمدرضا شاه، منکر این رقم شد و گفت ایرانیان نمی دانند میلیارد دلار یعنی چه؛ ولی سرانجام پذیرفت که ده میلیارد دلار ثروت در خارج از ایران دارد. البته این به جز ثروت اشرف پهلوی (خواهر شاه)، فرح دیبا (همسر شاه) و سایر خویشان او بود.

حقیقت این است که غارت بیت المال توسط عناصر حکومت اسلامی، به ویژه در مواقعی که حکومت با بحران سیاسی و با خشم و نفرت عموم مردم مواجه می شود خروج سرمایه ها از کشور، بالغ بر هزاران میلیارد دلار می گردد و این ارقام نجومی در بانک های خارج از کشور، با نام های مستعار و جعلی پس انداز گردیده اند؛ به ویژه اکنون که سرمایه داران و سران و عناصر حکومت، با خیزش عمومی مردم ایران روبرو شده اند به دلیل نگرانی از آینده حاکمیت شان، سرمایه هایشان را از کشور خارج می کنند.

«ندا نیوز»، یکی از نشریاتی است که در خیزش اخیر مردم ایران و پس از قتل ندا آقا سلطان توسط نیروهای سرکوبگر حکومت، در سطح وسیعی منتشر می شود، در شماره اخیر خود، چنین نوشته است:

«چندی پیش گزارشگران «ندا نیوز» از اقدام کارخانه داران برای خروج سرمایه شان از ایران و بستن و تعطیل کردن موسساتشان پرده برداشتند و خبر دادند که با تبدیل موجودی انبارها و دارایی هایشان به دلار باعث بالا رفتن نرخ ارز در بازار گشته اند. این گزارش با خیر توفیق کامیونی در ترکیه که حامل ۱۸ و نیم میلیارد دلار (۱۸ و نیم تریلیون تومان) طلا و اسکناس از ایران بود هر گونه شک و شبهه ای را نسبت به اقدامات سرمایه داران در رها کردن کارگران و کارکنان خود به امان خدا، در بیکاری و فقر و گرسنگی، بر طرف کرده و این سؤال را در ذهن انسان به وجود می آورد که تا به امروز چند کاروان از این کامیون ها، بدون شناسایی و ایجاد حساسیت اموال عمومی ایرانیان را به خارج برده اند. هنگامی که صاحبان صنایع میلیاردها تومان به کارگزارانشان بدهکارند، و یا تریلیون ها تومان به بانک ها، این اموالی که خارج می شود، اموال تمامی ایرانیان است. این وظیفه کارگران صنایع، و کارمندان موسسات و بانک های کشور است که با ظهور اولین نشانه های اقدام به خروج سرمایه از طرف موسساتشان، مردم را آگاه گردانند و به سرعت با تشکیل کمیته های نظارتی کارگران و با کمیته های تصرفی کارگران و کارمندان از این دزدی های اموال عمومی جلوگیری به عمل آورند.»

آنچه در بالا اشاره کردیم فقط نمونه هایی از فساد و غارتگری های کلان سران و ارگان های سرکوب حکومت اسلامی است؛ حکومتی که سران و عناصر ریز و درشت آن، سی سال است در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جنایت پشت جنایت می آفرینند و ایران را به یک زندان بزرگی برای شهروندانش تبدیل کرده اند. جهل و جنایت، دزدی و تجاوز به مال و ناموس مردم، قتل و غارت، دروغ گویی و رشوه خواری، آفریدن رعب و وحشت و ترور و غیره در حکومت اسلامی، آن چنان نهادینه شده که تار و پود همه این حکومت را فراگرفته است. همه جناح های حکومت اسلامی، در نهادینه شدن این همه جنایت و فساد و وحشی گری در حکومت اسلامی سهیم بوده اند بنابراین، اکثریت مردم ایران با مبارزه پیکر و قدرت و همبستگی انسانی و اجتماعی خویش، دیر یا زود کلیت این حکومت را راهی گورستان تاریخ خواهند کرد.

یازدهم مرداد ۱۳۸۸ - دوم آگوست ۲۰۰۹